

ماجرای تنها ایرانی عضو حزب نازی



جواد نوائیان رودسری - گستره خانواده منشی‌زاده خیلی عریض و طویل نیست و اگر بنا باشد تاریخچه آن را بررسی کنیم، فقط دو نسل آن قابل بررسی است! میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده، پدر خانواده، اصالتاً از اهالی ایروان بود و بعد از مهاجرت به ایران، در دارالفنون تحصیل کرد و وارد شغل نظامی‌گری شد. مشهور است که مخالفان، پدرش را مسموم کردند و به قتل رساندند. ابراهیم‌خان که در سر هوای ریاست داشت، در عصر مشروطه راه به جایی نبرد و کمیته مجازات را ساخت و افتاد به جان سیاستمدارانی که به او پول نمی‌دادند؛ ادعایش هم حذف بدخواهان وطن بود! بعدها وی را در دوره وثوق‌الدوله بازداشت کردند و به امر او، هنگام فرستادن به تبعید، به زندگی‌اش خاتمه دادند؛ اما ماجرای پسر ابراهیم‌خان از عجایب امور است. داوود که ظاهراً پسر ارشد مؤسس کمیته مجازات بود، سر از آلمان درآورد و مفتون نازی‌ها و «اس.اس» شد! در ادامه به فرازهای کمتر شنیده شده زندگی او می‌پردازیم.

راهی که از پاریس به برلین رسید

داوود منشی‌زاده در میان همه نویسندگان معاصر به آلمان‌دوستی و هیتلرپرستی معروف است؛ نصراً... توکلی در کتاب «آخرین سقوط آریاها» و حتی «داریوش همایون» در خاطراتش، این ویژگی منشی‌زاده را یادآوری کرده‌اند. این‌که داوود چطور با راه و رسم نازی‌ها آشنا شد، خیلی معلوم نیست. او در سال 1310، با بورس دولتی به فرانسه رفت تا درس بخواند. سال 1316 از دانشگاه «دیوژن» لیسانس ادبیات گرفت و بعد به آلمان نازی رفت. احتمالاً در دوران حضور در فرانسه بود که به هیتلر علاقه‌مند شد. او در همان سالی که لیسانس گرفت به برلین رفت تا ادامه تحصیل بدهد، اما تکمیل تحصیلات وی تا سال 1317 آغاز نشد. در این مدت چه می‌کرد؟ کسی به درستی نمی‌داند، اما خبر داریم که از 1318، همراه با بهرام شاه‌رخ، رادیو فارسی برلین را اداره می‌کرد. بنابراین، داوود منشی‌زاده دست‌کم از سال 1316، جذب سازمان‌های اطلاعاتی آلمان نازی شده بود.

«هیتلریزه» شدن داوود!

منشی‌زاده طبق روایت علی رهنما در کتاب «Behind the 1953 Coup in Iran»، به تحصیل در دانشگاه برلین پرداخت و همزمان به عضویت حزب نازی درآمد. او تنها عضو ایرانی حزب بود و سران آلمان هیتلری به وی اعتماد کامل داشتند. منشی‌زاده افزون بر این‌ها، از اعضای فعال «اس.اس» نیز به شمار می‌آمد. او مدرک دکترای خود را در سال 1322 از دانشگاه برلین گرفت و سپس، به تدریس ادبیات در دانشگاه «لودویک ماکسیمیلیان» شهر مونیخ پرداخت؛ سبقتی که به دست آوردن آن، بدون ارتباط داشتن با حزب نازی امکان نداشت. برخی روایت‌های شفاهی برآورد کرده‌اند که داوود، به دلیل اشتغال حزبی، دفاع از رساله دکترای خود را تا 1324، یعنی سال سقوط برلین به تعویق انداخت، اما در همین مدت، تدریس می‌کرد. منشی‌زاده به طور رسمی عضو واحدهای شبه‌نظامی «اس.اس» بود و در ردیف وفاداران سرسخت هیتلر قرار داشت. او به همراه گردان‌های مدافع نازی‌ها، هنگام هجوم متفقین به برلین و سقوط پایتخت آلمان در اردیبهشت 1324، دوشادوش نیروهای «اس.اس» جنگید و در همین نبرد، از ناحیه پا هدف گلوله قرار گرفت و تا پایان عمر به دلیل این اتفاق، می‌لنگید. او در آلمان با یک دختر آلمانی ازدواج کرد و بعد از جنگ، ابتدا به قاهره رفت و با کمک دوستانی که داشت، به تدریس ادبیات در دانشگاه این شهر پرداخت.

بازگشت به ایران و فرار به سوئد

منشی‌زاده در سال 1330 به ایران بازگشت؛ زمانی که آب‌ها از آسیاب افتاده بود و دیگر متفقین در ایران حضور نداشتند که دنبال نازی‌ها بگردند! او به محض ورود و در شرایط باز سیاسی آن دوره که مقارن با نهضت ملی شدن صنعت نفت بود، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران را با نام اختصاری «سومکا» راه انداخت که در واقع نسخه‌ای ناشیانه از روی نمونه آلمانی بود. این حزب تنها توانست تا مرداد 1332 دوام بیاورد، اما بعد از آن و به دلیل فضای بسته سیاسی پس از کودتای 28 مرداد، منشی‌زاده دیگر نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد. وی در 1337 سر از آمریکا درآورد و بعدها مدتی به آلمان رفت و در نهایت در سوئد سکونت اختیار کرد و در 22 تیرماه سال 1368 در اوپسالای سوئد درگذشت. منشی‌زاده اولین مترجم کتاب «نبرد من»، اثر آدولف هیتلر به زبان فارسی

است. او تألیفات و ترجمه‌های متعددی داشت.